

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۴۸۲

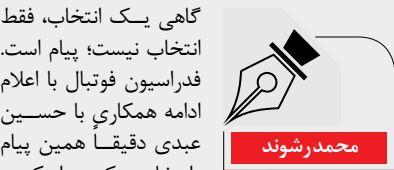
ورزشی



گزارش

تیم ملی فوتبال جوانان نیاز به ثبات و سرمربی سازنده دارد

ابقای بجای حسین عبدی



محمدرشدوند

گاهی یک انتخاب، فقط انتخاب نیست؛ پیام است. فدراسیون فوتبال با اعلام ادامه همکاری با حسین عبدی دقیقاً همین پیام را مخابره کرده؛ اینکه در

تیم‌های پایه نه دنبال هیجان مقطعی‌اند و نه قرار است هر شکست کوچک پایان راه باشد. پس از ۹ ماه دوری از صحنه رسمی، نام عبدی دوباره روی نیمکت جوانان ثبت شده؛ نه از سر بی‌گزینیه بودن، بلکه از دل یک تحلیل ساده: این مربی بازیکن می‌سازد، نه آمار. حافظه ما هنوز بازی‌های جسام ملت‌های جوانان آسیا ۲۰۲۵ را تازه نگه داشته. ایران تا یک‌چهارم نهایی رفت، ژاپن را تا نپالتی کشاند و فقط یک توپ اشتباه، روای جهانی شدن را از بین برد. پیش از آن در مرحله گروهی ازبکستان، اندونزی و یمن را از سر راه برداشت؛ فوتبالی پررتم و جسور که مدیران فدراسیون را قانع کرد استخوان‌بندی تیم درست است، فقط فرصت می‌خواهد.

در ماه‌های اخیر، بحث رفتن عبدی به باشگاه‌ها هم شنیده شد اما او ماند؛ همان جایی که تأثیرش ملموس‌تر است. یکی از دلایل اصلی این ماندگاری، کارنامه قبلی او در سطح بازی است؛ جایی که تیم ملی نوجوانان ایران با هدایتش تا دور حذفی جام جهانی اندونزی رفت و برزیل را شکست داد؛ اتفاقی که نه فقط تاریخی، که انگیزه‌ساز فوتبال پایه شد.

مقایسه پس از رفتن عبدی نیز به‌خوبی نشان می‌دهد چرا فدراسیون دوباره سراغ او برگشته. نوجوانان پس از تغییر کادر فنی، ابتدا زیر نظر عباس چمنیان از گروه آسیا بالا نیامدند و بلیت جام جهانی ۴۸ تیمی را از دست دادند. بعد هم با ارمان احمدی حتی به جام ملت‌های ۲۰۲۶ نرسیدند. نوجوانان حتی به تیم درجه چندم هند هم باختند! این یعنی افت کیفیت ساختار پایه، نه تنها در نتیجه، بلکه در فرایند رشد. یکی دیگر از دلایل مهم تمدید قرارداد، مهارت عبدی در تربیت بازیکن است. او مربی‌ای نیست که فقط به نتیجه همان روز فکر کند. در ۲-۳ سال اخیر بازیکنانی از زیر دست او بیرون آمده‌اند که حالا در لیگ برتر، تیم امید و حتی تیم ملی اسم و رسم دارند؛ بعضی‌ها در آستانه رفتن به اروپا یا لااقل کشورهای حاشیه خلیج‌فارس هستند. نام‌هایی مثل آرش شکوری، اسماعیل قلی‌زاده، امیرمحمد رزاقی‌نیا، کسری طاهری، مبین دهقان، ابوالفضل زمانی و چندین چهره دیگر اینک برای فوتبال‌دوستان غریبه نیستند.

این همان نقطه‌ای است که ارزش عبدی را بالا می‌برد؛ او آینده می‌سازد. تیم جوانان کارخانه تولید سرمایه ملی فوتبال است، نه سکوی نتیجه‌گیری فوری. اگر قرار است بزرگسالان نسل تازه داشته باشند، باید پایه را درست سازنده‌ای سپرد که به بلندمدت فکر می‌کند. امروز فدراسیون دقیقاً همین کار را کرد. حفظ عبدی یعنی انتخاب ثبات، احترام به فرایند و درک ارزش رشد تدریجی. جوانان ایران برای ساخت نسل آینده به مربیانی نیاز دارند که مانند او هم میدان می‌دهند، هم یاد می‌دهند، هم آماده پرتاب به سطح بالا می‌کنند.

فدراسیون این‌بار درست عمل کرد. باقی مسیر اما بر عهده عبدی است؛ این مربی بزرگ توانمند، حالا نه تنها باید نتیجه بگیرد، بلکه باید نسل آینده تیم ملی را تحویل بدهد.

خبر

پرسپولیس – پیکان پشت درهای بسته

دیدار پیکان و پرسپولیس در هفته سیزدهم لیگ برتر، به‌جای جو معمول و هیاهوی سکوها، قرار است در فضایی سلاکت و بی‌تماشاگر برگزار شود. سازمان لیگ اعلام کرد این مسابقه فردا سه‌شنبه ۱۸ آذر در ورزشگاه پارس قوامین برگزار خواهد شد؛ انتخابی که به ظاهر ساده است اما نتیجه‌اش حذف تماشاگران از معادله بازی خواهد بود.

داستان از آنجا شروع شد که پیکان به‌عنوان میزبان، به دلیل شرایط نامطلوب ورزشگاه شهدای شهر قدس مجبور به انتخاب محل جدید شد. میان تختی و قوامین گزینه‌های زیادی برای بازی با دو طرفه تعامل باشگاه و سازمان لیگ، قوامین را به ورزشگاه خانگی موقت تبدیل کرد اما بخشی از این توافق به معنای برگزاری مسابقه بدون حضور هواداران است. خبری که بنا بر پیگیری‌ها، حتی به مدیران پرسپولیس نیز ابلاغ شده.

کنکته جالب اینکه برای بازی با حضور تماشاگران حتی ورزشگاه شهید وطنی قائم‌شهر نیز به‌عنوان گزینه‌ای احتمالی مطرح شد اما این پیشنهاد رد شد و انتخاب نهایی همان قوامین شد با این تفاوت که سکوها خاموش می‌مانند.

برای پرسپولیس که پرطرفدارترین تیم ایران است، بازی بدون تماشاگر همیشه زخم کهنه‌تر است. عمیقاً می‌گذارد. فوتبالی که با صدای سکو زنده می‌شود، روز سه‌شنبه قرار است بی‌نفس و خاکستری باشد. شاید کیفیت چمن و شرایط آرام قوامین به نفع جریان فنی بازی شود اما حقیقت این است که این بار گل‌های احتمالی بدون فریاد تماشاچی ثبت خواهند شد.

زمین انتخاب شده؛ ساعت مشخص است؛ فقط جای خالی همان چیزی که فوتبال را فوتبال می‌کند به چشم می‌آید. هوادار!

بررسی محل بازی‌های ایران در جام جهانی ۲۰۲۶

لس آنجلس صحنه ما است



پرچم‌ها روی دوش نوجوانانی که جام جهانی قبل را فقط از تلویزیون دیده‌اند. و اگر نتیجه نباید؟ اتوبان‌ها تا صبح شلوغ می‌شود. وست‌وود چراغانی می‌شود. جام جهانی قبل در خاک آمریکا را فقط به عنوان خاطره از ۱۹۹۴ می‌شناسیم. آن روزها ایران مشتری تورنمنت نبود. این بار داستان برعکس شده؛ ما میهمان ویژه‌ایم، نه تماشاگر از دور.

برنامه رسمی ایران به وقت تهران از این قرار است: ۲۵ خرداد | ۴:۳۰ بامداد

ایران – نیوزیلند | لس آنجلس

۳۱ خرداد | ۱۰:۳۰ شب

ایران – بلژیک | لس آنجلس

۵ تیر | ۶:۳۰ صبح

ایران – مصر | سیاتل

۳ شب متفاوت، ۳ فرصت بزرگ. آمریکا میزبان است اما اگر ببریم، جهان میهمان ما می‌شود.

در مسابقات جام جهانی خارج از خانه، چنین مزایایی داشته باشد. ایران در قطر نسبتاً صاحب تماشاگر بود اما اینجا ماجرا متفاوت است؛ ایران در آمریکا در مرز میزبانی است.

البته نگرانی‌ها هم کنار خوشی‌ها هست. مساله صدور ویزا برای اعضای تیم ملی و همراهان هنوز کامل حل نشده. برای مراسم قرعه‌کشی تنها ۳ نفر توانستند وارد آمریکا شوند. فیفا قول داده همه چیز برای تیم ملی حل خواهد شد اما قول روی کاغذ است و باید دید در عمل چه می‌شود. جام جهانی جای آزمون اداری نیست؛ باید از هفته‌ها قبل همه چیز آماده باشد. وقتی جام شروع شود، وقت تعارف نیست.

افتتاحیه این دوره ۲۱ خرداد در مکزیکوسیتی بین مکزیک و آفریقای جنوبی برگزار می‌شود. بعد از آن، نگاه‌ها می‌چرخد سمت لس آنجلس، همان شهری که ایرانی‌ها روزهای زیادی در آن کار کرده‌اند؛ زندگی کرده‌اند و حالا می‌خواهند جشن صعود بگیرند. می‌شود تصور کرد؛ ساعت ۴ صبح جای روی مسامور، چشم‌های قرمز، صدای گزارشگر.

۲ بازی بعد، کافه‌های پر، یوق بزندن‌های شبانه، شور سکو.

صحنه‌ای را دیده‌ایم؛ بازی دوستانه ۱۳۷۸ ایران – آمریکا در رزول، همان روزی که مهدوی کیا گل زد و بیش از ۱۰۰ هزار ایرانی ورزشگاه را پر کردند. رزول ۹۲ هزار صندلی داشت اما جمعیت ایرانی از خط ظرفیت گذشت. آن روز آمریکا میزبان بود اما زمین حس ایران می‌داد. حالا پس از سال‌ها، این تصویر دارد تکرار می‌شود؛ با ستاره‌های تازه، پیراهن‌های نسل جدید و رؤیای بزرگ‌تر.

دیدار سوم ایران مقابل مصر در سیاتل خواهد بود؛ شهری ایرانی، سرد اما زنده. سیاتل هم ایرانی کم ندارد و همین، امکان تکرار جو بازی‌های لس آنجلس را بالا می‌برد. درست است جمعیت عرب و مصری هم در این منطقه پررنگ است اما با توجه به موج هواداران ایران در آمریکا و شوق سفر از ایالت‌های دیگر، احتمالش کم نیست که بار دیگر رنگ سکوها سرخ – سفید – سبز باشد.

این بار جام جهانی زمین بی‌طرف ندارد؛ زمین فرصت دارد. اگر ایران از گروه بالا برود – چه دوم چه حتی سوم در شرایط محتمل – باز هم مسیر بازی‌ها در آمریکا ادامه پیدا می‌کند. یعنی تیم ملی حتی بعد از مرحله گروهی هم احتمالاً خاک را عوض نمی‌کند. کم پیش می‌آید کشوری

شنبه شب به وقت تهران، فوتبال برای ایرانی‌ها فقط یک خبر نداشت؛ یک رؤیا محقق شد. خبری که خیلی‌ها از پایان مراسم قرعه‌کشی منتظرش بودند، بالاخره روی سایت فیفا نشست و میلیون‌ها نگاه را به صفحه قفل کرد. بعد از تمام گمانه‌زنی‌ها درباره زمین و ساعت بازی‌ها، اعلام رسمی منتشر شد و یک جمله مثل برق در شبکه‌ها پیچید: ایران تمام بازی‌های مرحله گروهی را در آمریکا برگزار می‌کند و درست همان جا بود که واژهای قدیمی دوباره جان گرفت: تهرانجلس.

برنامه رسمی می‌گوید تیم ملی در ۳ زمان متفاوت، ۳ بند مهم خواهد داشت. ۴:۳۰ بامداد مقابل نیوزیلند ۲۲:۳۰ شب برابر بلژیک ۶:۳۰ صبح در مصاف با مصر

۲ مسابقه در ساعتی برگزار می‌شود که هواداران باید قهوه دم کنند و چشم‌ها را تا دم آفتاب باز نگه دارند اما دیدار برابر بلژیک درست در ساعت طلایی تماشای فوتبال است؛ شبی که احتمالاً خیابان‌ها بوق می‌خورند و کافه‌ها جا برای نشستن ندارند. اما اصل ماجرا فقط زمان نیست؛ مکان است. هر ۳ بازی در خاک آمریکا، ۲ مسابقه نخست در لس آنجلس و سومی در سیاتل. لس آنجلس شهری است که نامش برای ما دیوار ساده جغرافیا نیست. بیش از ۳۰۰ هزار ایرانی در آن شهر زندگی می‌کنند. خیابان‌هایی که غذای ایرانی می‌فروشند، پرچم ایران در وترین مغازه‌هاست، رادیوها فارسی پخش می‌کنند و محله‌ای به نام وست‌وود سال‌هاست لقب «تهرانجلس» دارد.

حالا تصور کنید جام جهانی به همان خیابان‌ها سر می‌زند. تیم ملی در شهری بازی می‌کند که هزاران نفرش به زبان مادری ما حرف می‌زنند. لس آنجلس در این ۲ مسابقه فقط میزبان نیست؛ خانه است. این یعنی ایران در ۲ بازی نخست نه در غربت، بلکه بانفس هم‌وطنانش بازی می‌کند. فوتبال گاهی با یک شعار، یک پرچم، حتی با بغض هنگام سرود ملی می‌چرخد. جو استادبوم می‌تواند بازی را تغییر دهد و این بار وزنه تشویق سمت ما سنگین‌تر است.

ورزشگاه سوای استادبوم محل برگزاری ۲ بازی اول‌مان خواهد بود؛ غول مدرن کالیفرنیا با ظرفیت ۷۰ هزار نفر. اما باشناختی که از جامعه ایرانی آمریکا داریم، شاید روز مسابقه سقف تشویق‌ها از این عدد هم عبور کند. قبلاً هم چنین

قرعه جام جهانی ۲۰۲۶ که مشخص شد، خیلی‌ها لبخند زدند. درست هم هست؛ گروهی که می‌شود با وزن فوتبال ایران در آن ایستاد. نه مرگبار است نه حتی خیلی دشوار. بلژیک از سید اول، مصر از سید سوم و نیوزیلند از سید چهارم. یعنی همان ترکیبی که روی کاغذ می‌گوید: «اگر می‌خواهی تاریخ را عوض کنی، از همین‌جا شروع کن».

بازی نخست برابر نیوزیلند مثل یک سکوی پرش است؛ امتیازی که اگر گرفته شود، مسیر تورنمنت هموار می‌شود اما اینکه قرعه خوب است، الزاما یعنی صعود؟ نه؛ فوتبال دفتر نقاشی نیست که با مداد رنگی نتیجه را از قبل بکشد. ایران امروز با ایران روی تابلوی ذهن فرق دارد. مساله روشن است: برای جام جهانی باید تکان بخوریم.

قرعه جام جهانی ۲۰۲۶ که مشخص شد، خیلی‌ها لبخند زدند. درست هم هست؛ گروهی که می‌شود با وزن فوتبال ایران در آن ایستاد. نه مرگبار است نه حتی خیلی دشوار. بلژیک از سید اول، مصر از سید سوم و نیوزیلند از سید چهارم. یعنی همان ترکیبی که روی کاغذ می‌گوید: «اگر می‌خواهی تاریخ را عوض کنی، از همین‌جا شروع کن».

بازی نخست برابر نیوزیلند مثل یک سکوی پرش است؛ امتیازی که اگر گرفته شود، مسیر تورنمنت هموار می‌شود اما اینکه قرعه خوب است، الزاما یعنی صعود؟ نه؛ فوتبال دفتر نقاشی نیست که با مداد رنگی نتیجه را از قبل بکشد. ایران امروز با ایران روی تابلوی ذهن فرق دارد. مساله روشن است: برای جام جهانی باید تکان بخوریم.

همین که قرعه جام جهانی ۲۰۲۶ اعلام شد، موج تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌ها باز شد؛ از خوش‌بینی هواداران تا نگاه دقیق مدل‌های آماری. ایران در گروه G کنار بلژیک، مصر و نیوزیلند قرار گرفت؛ گروهی که نه «کاپوس» است نه «فرش قرمز»، بلکه چیزی بین این دو است؛ مسیر عبور وجود دارد اما آنچنان هم ساده نیست.

یکی از معتبرترین موتورهای تحلیل فوتبالی جهان، Opta — سامانه‌ای که با هوش مصنوعی هزاران داده مسابقه و عملکرد بازیکنان را می‌سنجد — بلافاصله مدل احتمال‌آش را منتشر کرد. نتیجه؟ شانس قهرمانی ایران در جام جهانی صفر! اما شانس صعود «قابل دستیابی» اعلام شد. یعنی در نگاه آمار، رؤیا تا جنس ممکن‌هاست اگر درست هزینه‌اش پرداخت شود.

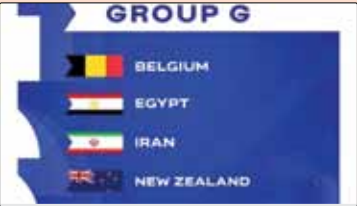
یک قالب تازه به دیوار افتخارات ورزش ایران اضافه شد؛ جام قهرمانی جوانان جهان حالا در دستان پسرانی است که هنوز ابتدای مسیرند اما مثل باتجربه‌ها جنگینند. نخستین نسخه رقابت‌های زیر ۲۱ سال تکواندوی دنیا در نایروبی با حضور ۴۵۲ ورزشکار از ۷۵ کشور برگزار شد؛ صحنه‌ای بزرگ و شلوغ، با پرچم‌هایی از چهار گوشه جهان. آخر کار اما صدای سرود ایران بلند شد و سکوی اول رنگ پرچم مقدس ما را گرفت.

تیم ملی پسران در این تورنمنت با ۳ طلا، ۱ نقره و ۲ برنز بسته قهرمانی را کامل کرد؛ ترکیه با دو طلا و یک نقره دوم شد، قزاقستان با دو طلا و یک برنز سوم. مصر، بلغارستان و هند بعد از این سه تیم در صف ایستادند. یعنی جایی که قرار بود نخستین تجربه جهانی باشد، بچه‌های ایران سقف آرزو را تا بالاترین پله سکو بردند. بخش دختران هم بی‌نصیب نبود. بانوان تیم ملی یک طلا و یک برنز گرفتند و چهارم شدند؛ ترکیه، کره جنوبی و مراکش در سه رتبه بالاتر قرار گرفتند اما وقتی فدراسیون جهانی مجموع امتیازات زنان و مردان را یکجا منتشر کرد، یک شگفتی شیرین شکل گرفت: مجموع کل مدال‌ها، ایران را در صدر جدول قرار داد.

قهرمانی تنها به رنگ مدال نیست؛ گاهی عنوان‌ها هم به‌اندازه طلایر می‌زنند. مجید افلاکی به‌عنوان بهترین سرمربی مسابقات معرفی شد؛ یعنی کسی که پشت پرده تمام ضربات، تاکتیک‌ها و آرامش‌های لحظه آخر ایستاده بود. ابوالفضل زندی نیز فنی‌ترین تکواندوکار جهان شد؛ ستاره‌ای که ناگهان در مرکز توجه قرار

قرعه ما خوب است اما آیا با همین دست فرمان صعود ممکن است؟

نیاز به حرکت برای برکت



این تیم با فرم فعلی، حتی با قرعه مناسب هم راه آسانی ندارد. در ماه‌های اخیر فوتبال ملی از تیزی، تنش مثبت و اجرای مطمئن فاصله گرفته. نوسانات در انتخاب‌ها، همه چیز را شکسته کرده. جام جهانی رفاقت‌نامه نیست که با دعا و امید اداره شود؛ میلیون‌ها نفر پشت این تیم ایستاده‌اند و حق دارند فوتبال از جنس برنامه ببینند.

امیر قلعه‌نویی گفته ۴ بازی تدارکاتی بزرگ می‌خواهد.

ابرا یانه شانس ایران را معتدل دانست

صعود ممکن اما به سختی

■ ابرا یانه چه دید؟

این دستگاه معتقد است قدرت دفاعی و انسجام تیمی بزرگ‌ترین برگ برنده ایران است؛ تجربه حضور در ۴ جام جهانی پیایی هم کمک می‌کنند از جوسنگین بازی‌ها ترسیم‌اما مشکل اصلی جای دیگری است: ضربه آخر. ایران گاهی در خلق موقعیت خوب است اما در تمام‌کنندگی پایداری لازم را ندارد. همین می‌تواند برابر حریفان سرسخت، بازی‌ها را به تار مویی وابسته کند. در این مدل تحلیلی، بلژیک سخت‌ترین دیوار گروه دانسته شده؛ تیمی که حتی اگر نسل طلایی‌اش افول کرده باشد هنوز پر از فوتبالیست‌های سطح اول اروپاست. مقابل این تیم گرفتن یک امتیاز طلایی است اما شرط صعود فقط وابسته به آن نیست. طبق پیش‌بینی‌ها، کلید عبور از گروه، بازی مقابل مصر و نیوزیلند است. هوش مصنوعی می‌گوید اگر ایران در این ۲ دیدار حداقل ۴ امتیاز به دست آورد، احتمال حضور در مرحله حذفی کاملاً

قهرمانی پسران ایران در رقابت‌های تکواندوی زیر ۲۱ سال جهان

طلای نسل آینده



اسامی را روی سکوها بزرگ‌تر ببینیم؛ جهانی بزرگسالان، آسیایی یا حتی المپیک.

این قهرمانی یک پیام روشن دارد: آینده تکواندوی ایران امن است. وقتی نوجوان‌ها و جوان‌ها یک تورنمنت جهانی را با این اقتدار می‌برند، یعنی بدنه ورزش زنده است و خون تازه در رگ‌هايش جریان دارد. تکواندو سال‌هاست یکی از رشته‌های مدال‌ساز ایران بوده اما اینکه نسل جدید هم با همین ریتم وارد میدان شده، نوید مداوم افتخار است.

شاید لذت این جام از خیلی قهرمانی‌های بزرگ‌تر بیشتر باشد،

نقره محمد علیزاده
برز: متین رضایی، امیرمحمد اشرفی، هستی محمدی
نام‌هایی که جز مینا هنوز برای خیلی‌ها تازه‌اند اما اگر مسیر حرفه‌ای‌شان درست ادامه پیدا کند، شاید چند سال دیگر همین

افلاکی وزندی، برترین سرمربی و تکواندوکار جوانان جهان

عنوان برترین سرمربی و تکواندوکار بخش مردان رقابت‌های جوانان (زیر ۲۱ سال) تکواندوی قهرمانی جهان به ایران رسید. در پایان رقابت‌های ایران فقط مدال نگرفتند؛ پرچم آینده را بالا بردند. در کنیه، افلاکی، سرمربی ایران که توانست شاگردانش را با سه طلا، یک نقره و دو برنز به عنوان قهرمانی جهان برساند، به عنوان برترین سرمربی مسابقات برگزیده شد. همچنین ابوالفضل زندی که یک ماه پیش به مدال طلای بزرگسالان جهان رسید و این بار در کنیا بر سکوی نخست جوانان جهان ایستاد به عنوان برترین تکواندوکار این رقابت‌ها در بخش مردان انتخاب شد.

چون «ولین» همیشه طعم خاصی دارد. نخستین قهرمانی در نخستین دوره، یعنی چیزی را آغاز کرده‌ایم، نه ادامه داده‌ایم. تکواندوکاران جوان ایران فقط مدال نگرفتند؛ پرچم آینده را بالا بردند. حالا وقت آن است که این اسم‌ها حفظ شوند، دیده شود و حمایت شود. جام زیر ۲۱ سال فقط یک رقابت نبود؛ یک پیش‌نمایش بود از آنچه تکواندوی ایران در سال‌های بعد می‌تواند باشد. اگر امروز درست سرمایه‌گذاری کنیم، فردا روز بزرگ‌تری انتظارمان را می‌کشد. چه خوب که قصه این نسل با طلا شروع شد.